

نشریه ادب و زبان  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
دانشگاه شهید باهنر کرمان  
دوره جدید، شماره ۲۸ (پیاپی ۲۵) زمستان ۸۹

## سیر تاریخی شعر نیما از دیدگاه جامعه شناختی\* (علمی - پژوهشی)

دکتر مهین دخت فرخ نیا  
استادیار دانشگاه شهید باهنر کرمان

علی ضیاء الدینی  
کارشناس ارشد و عضو پژوهشکده  
فرهنگ اسلام و ایران دانشگاه شهید باهنر کرمان

### چکیده

بررسی دوره های گوناگون شعری نیما نشان می دهد که او بتدریج از رمانتیسم به رئالیسم، سمبولیسم و سمبولیسم اجتماعی گرایش می یابد. در این مقاله با توجه به بررسی ویژگیهای سیاسی و اجتماعی عصر نیما، علت گرایش نیما به این مکاتب شعری از دیدگاه جامعه شناختی تجزیه و تحلیل می شود و با تقسیم بندی شعر او به پنج دوره متمایز، بازتاب حوادث مهم اجتماعی هر دوره در شعر او، همراه با تحلیل آماری اشعار او مورد توجه قرار می گیرد و خواننده را به این نتیجه رهنمون می سازد که وضعیت اجتماعی زمان نیما در تکامل شعر نیما و دستیابی او به محتوا و ساختاری نو، تأثیر بسزایی داشته است. کلید واژه ها: شعر نیما، شعر نو، جامعه شناسی شعر، تکامل شعر معاصر، مکتبهای ادبی و شعر فارسی.

### مقدمه

پس از انقلاب مشروطه، ایران به میدان مبادلات فرهنگی مردم با بیگانگان بدل شد و علاوه بر تحولات مختلف سیاسی و اجتماعی، تحولات فرهنگی و معرفتی در لایه های مختلف جامعه پدیدار گردید.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۸۸/۹/۱۷

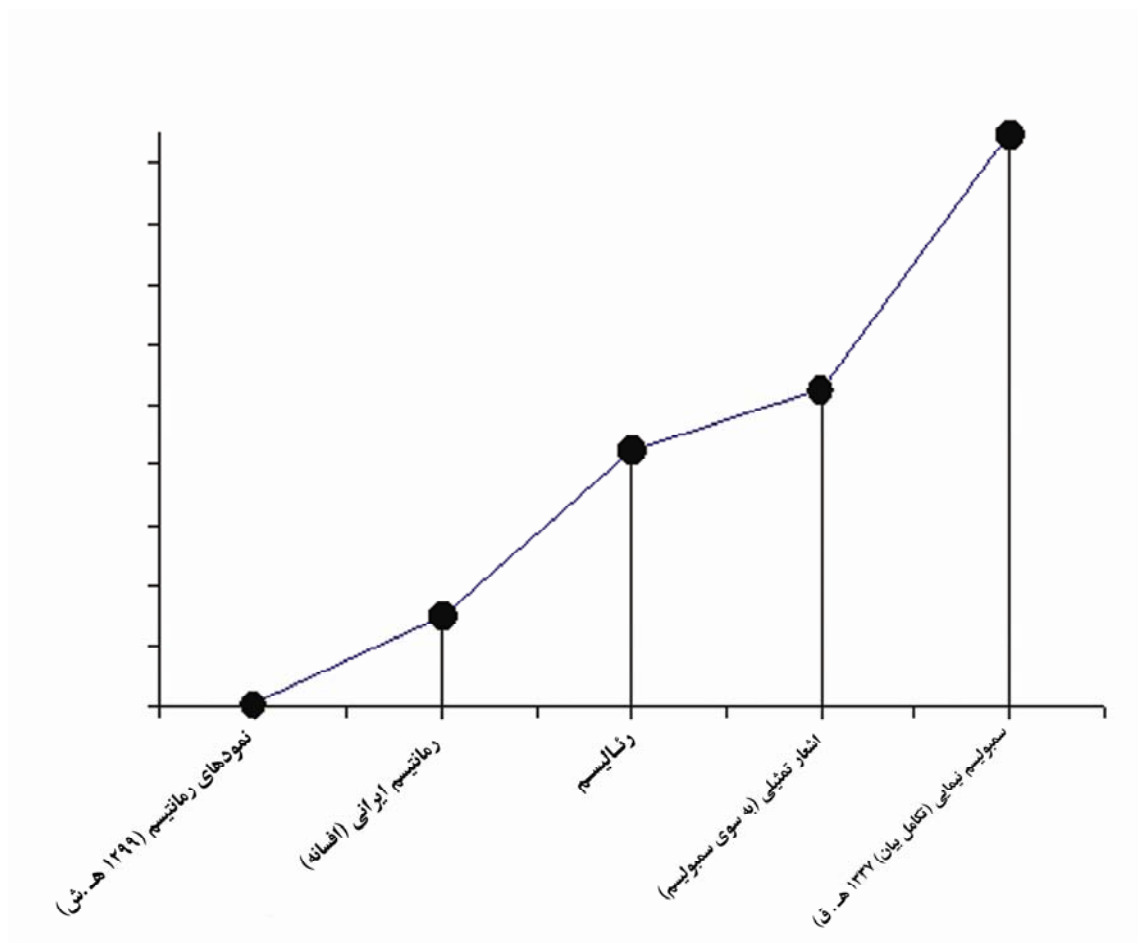
\* تاریخ ارسال مقاله: ۸۷/۴/۲۰

آدرس ایمیل: m-farrokhnia@yahoo.com

مجموعه این تحولات باعث شد که در جامعه فرهنگی ایران، گرایشهای ادبی تازه ای به وجود آید که بستری برای تغییر در شعر سنتی به شمار می رفت «حوادث مهم تاریخی چون جنگ جهانی اول، کودتای ۱۲۹۹ هـ ش و فروپاشی نظام نیمه فئودالی قاجار و انتقال قدرت به سلسله پهلوی، جریان نوگرایی را در ایران به حدی شتاب بخشید که دیگر سیر و تحولی محافظه کارانه از نوع آنچه در شعر مشروطه رخ داده بود به هیچ وجه بسنده نبود» (یاحقی، ۱۳۸۵: ۲۶). از سوی دیگر دامنه تحولات معرفتی در جامعه ایران با توجه به آشنایی مردم با فرهنگ مغرب زمین به شیوه های مختلف و با توجه به ضرورتهای فرهنگی و اجتماعی گسترده تر می شد.

در چنین فضایی، نیما توفیق یافت تحولی اساسی و بنیادین در ساختار و محتوای شعر سنتی ایجاد کند. او با تکیه بر جهان بینی و تأثرات عاطفی نو، تصاویر خیالی، موسیقی و زبانی تازه، شعر کلاسیک را در بستری نوجویانه به جریان انداخت. بررسی دهه های مختلف حیات شعری نیما نشان می دهد که او در پیمودن این راه، تجربه های مختلفی را پشت سر گذاشته است. اولین تجربه های شعری او با درونمایه های رمانتیک عرضه می شود اما بتدریج او از ذهنیت غنایی فاصله می گیرد و با تغییر مدار شاعری از رمانتیسم به سمبولیسم اجتماعی، که شعر ققنوس به سال ۱۳۱۶ هـ ش نمونه برجسته آن است، مسیر جدیدی را در پیش می گیرد (زرقانی، ۱۳۸۷: ۳۵۴).

نمودار ذیل تغییر تدریجی رویکردهای نیما را در شعر نشان می‌دهد:



علت این تغییر مسیر را باید در ویژگیهای سیاسی و اجتماعی عصر نیما و نیز آشنایی نیما با دنیای غرب جستجو کرد. شیوه استبدادی حکومت و نظارت دستگاه سانسور بر شعر از طرفی و تمایل شاعران متعهدی چون نیما به بیان دردها و محرومیت‌های مردم از سوی دیگر، باعث به کارگیری نمادها در شعر نیما و رواج سبک سمبولیسم اجتماعی در ایران می‌شود. در این نوع شعر بنای کار بر استفاده از سمبل‌های بومی، جهانی و یا فردی است. چنین شعری، این امکان را دارد که چندین معنا را برتابد. بنابراین می‌توان برای این نوع شعر چند معنا را در نظر گرفت. بیشتر اشعار آزاد نیما در ذیل همین نوع قرار می‌گیرد (همان: ۳۵۴).

نیما در میان حرکت‌های افراطی و تفریطی شاعران و در رویارویی با دنیای مدرن، راه اعتدال را در پیش می‌گیرد و با تلاشی پیگیر در دو بعد نظریه پردازی شعر و ابداع شیوه جدید به موفقیت دست می‌یابد. شعر او، که میراث خوار تحولات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و عقیدتی عصر مشروطه است در یکی از پرافت و خیزترین دوره‌های تاریخ ایران شکل می‌گیرد و با نگاهی متفاوت به مقوله ادبیات و کارکرد آن در بستر حوادث اجتماعی و سیاسی عصر خود جاری می‌شود. «مطالعه شعر مشروطه نشان می‌دهد که دینامیسم شعر مشروطیت با دینامیسم اجتماع مشروطیت، همسان و هم‌مرز بوده است» (براهنی، ۱۳۵۱، ۲۵).

درک این ناهماهنگی در کنار طرز تلقی جدیدی از جهان باعث اوج‌گیری اندیشه‌های نو در زمینه‌های گوناگون شد. «نفوذ این اندیشه‌ها در شعر، گرایش تازه‌ای پدید آورد که همچنان در دل استبداد ذهنی کهن تداوم کم‌توان اما مستمری داشت تا اینکه نیما، نمودار حضور شعر و معرفت‌انسانگرا در جامعه سنتی ما گردید» (مختاری، ۱۳۷۱: ۱۴۹). او در نامه‌ای به تاریخ ۱۳۱۱/۱۰/۳ به ارزشمندی می‌نویسد «اگر افکار و احساسات امروز من به این شدت جنبه اجتماعی نداشت، سقوط کرده و به عوالم صوفیانه و درویشی تقرب حاصل می‌کردم» (نیما یوشیج، ۱۳۷۶: ۴۰۴). بنابراین، اجتماعی بودن افکار نیما است که سمت و سوی شعر او را تعیین می‌کند؛ اگر چه نمی‌توان شعر نو را تنها حاصل تحولات اجتماعی درون جامعه پنداشت و فردیت و شخصیت نیما را نادیده گرفت.

نیما از سال ۱۲۹۹ هـ.ش تا ۱۳۳۷ هـ.ش شعرهای زیادی سرود. در مورد این اشعار نمی‌توان حکم واحدی صادر کرد؛ زیرا هر یک از این اشعار در بستر اجتماعی و روانشناختی متفاوتی آفریده شده‌اند. اما حرکت کلی او باعث پی‌ریزی سبک سمبولیسم اجتماعی در شعر نو ایران شد. دوران شاعری نیما را می‌توان به دوره‌های مختلفی تقسیم کرد که هر یک از این دوره‌ها ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی متمایزی دارد. در این مقاله ادوار شاعری نیما با توجه به حوادث مهم اجتماعی هر دوره مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

## بحث

## ۱- دوره اول: از کودتای ۱۳ اسفند ۱۲۹۹ تا پادشاهی رضا خان (۱۳۰۴ هـ.ش)

مهمترین حوادث اجتماعی: کودتای رضاخان و ورود نیروهای قزاق به تهران در اسفند ۱۲۹۹ هـ.ش، شکست نهضت جنگل و مرگ میرزا کوچک خان جنگلی (مهر ماه ۱۳۰۰ هـ.ش)، به نخست وزیری رسیدن رضا شاه (۳ آبان ۱۳۰۲ هـ.ش) و به سلطنت رسیدن او در سال ۱۳۰۴ هـ.ش از مهمترین حوادث اجتماعی در این دوره به شمار می رود (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۹۸).

## تبیین جامعه‌شناختی شعر نیما در دوره اول: نیما در سال ۱۲۹۹ هـ.ش با سرودن

مثنوی «قصه رنگ پریده»، ورود خویش را به عرصه شعر و ادب فارسی اعلام می کند. اگر چه نیما در این مثنوی پیوندهای ادبی خود را با شعر سنتی حفظ می کند با به چالش کشاندن زندگی شهری، طغیان شاعرانه خویش را در برابر مظاهر زندگی جدید نشان می دهد و جلوه های رمانتیسیم را در این منظومه به نمایش می گذارد. مثنوی «قصه رنگ پریده، خون سرد» با ۲۸ مرتبه تکرار کلمه عشق و نیز با ایجاد فضای گریز و اختیار عزلت، یکی از مهمترین اشعار رمانتیسیم نیما محسوب می شود:

شهر درد و محنتم افزون نمود      این هم از عشق است، ای کاش او نبود  
من هراسانم بسی از کار عشق      هر چه دیدم، دیدم از کردار عشق  
خانه من، جنگل من کو کجاست؟      حالیا فرسنگها از من جداست  
(نیما یوشیج، ۱۳۶۴: ۲۷)

شکوه های نیما از بد اقبالی و بدبختی نیز از بنمایه های رمانتیسیم در این مثنوی است:  
آخر ای من تو چه طالع داشتی!      یک زمانت نیست با بخت آشتی؟  
(همان: ۲۸)

از درونمایه های دیگر این مثنوی، دردمندی و طغیان در برابر جهان هستی و به چالش کشاندن آن است:

عاشقم من، عاشقم من، عاشقم      عاشقی را لازم آید درد و غم  
ز آنکه بر ضد جهان گویم سخن      یا جهان دیوانه باشد یا که من (همان: ۳۰)

طبیعت گرایی، یاد ایام گذشته و شور عشق در سراسر این مثنوی به چشم می‌خورد. علاوه بر این مثنوی از دیگر اشعار سنتی نیما در این دوره، اشعار تمثیلی اوست. تعداد اشعار تمثیلی نیما در این دوره (شیر، چشمه کوچک، یادگار زن انگاسی، بز ملاحسن، گل ناز دار، مفسده گل، گل زودرس، روباه و خروس و جامه نو) ده مورد است که در آن نیما در پیوند با شعر قدیم ایران می‌کوشد نوعی ادبیات تعلیمی را برای مخاطب شعرش بیافریند. قطعه «منت دونان» و نیز سایر قطعات تمثیلی - حکمی این دوره را می‌توان از جمله تلاشهای نیما برای اثبات تسلطش بر شعر سنتی (رویاری با سنت گرایان) تفنن و یا حفظ پیوند با شعر قدیم ایران ارزیابی کرد. پس از «قصه رنگ پریده» و «منت دونان»، «ای شب» شعری است که پس از حوادث ۱۲۹۹ هـ ش و مدتی پس از شکست نهضت جنگل خلق می‌شود. سرایش شعر «ای شب» جلوه گاه رسمی تولد کاربردترین و پر بسامدترین کلمه در اشعار نیما یعنی شب است. اما شب در شعرهایی نظیر «ای شب» و «شیر»، هنوز مفهوم عمیق سمبلیکی را که در اشعار بعدی نیما می‌یابد به خود نگرفته است. شعر «ای شب» اگر چه شعری است که فضای اجتماعی سالهای ۱۲۹۹-۱۳۰۱ را بیان می‌کند از بنمایه های رمانتیسم خالی نیست:

این قصه که می‌کنی تو با من / زین خوتر ایچ قصه‌ای نیست / خوبست ولیک باید از درد / نالان شد و زار زار بگریست / بشکست دلم ز بی قراری، ... (همان: ۳۶)

معرفی نیما به عنوان شاعری رمانتیسم در این دوره، هرگز به مفهوم نفی دید اجتماعی او نیست به گونه ای که می‌توان گفت نیما جلوه هایی از رمانتیسم، رئالیسم و بعدها سمبولیسم را در نمایشگاه اشعارش به صورت آمیخته عرضه می‌کند. «ای شب» همچنانکه بنمایه های رمانتیسم را دارد، شعری است رئالیستی که جلوه هایی از طبیعت گرایی را هم در خود جای داده است. در این شعر - که در سال ۱۳۰۱ و مدتی پس از شکست نهضت جنگل سروده شده است - نیما از تاریکی زمانه به ستوه می‌آید و با لحنی که از مقاومت حکایت دارد، چنین می‌سراید:

هان ای شب شوم وحشت انگیز / تا چند زنی به جانم آتش / یا چشم مرا ز جای بر کن / یا پرده ز روی خود فرو کش / یا باز گذار تا بمیرم / کزدیدن روزگار سیرم (همان: ۳۶)

جریان کودتای اسفند ۱۲۹۹ و پس از آن کشته شدن تعدادی از فرزندان ایران زمین در جریان نهضت جنگل و شکست این نهضت با مرگ غمبار رهبر آن - میرزا کوچک خان - به مثابه بادهای ویرانگری هستند که نیما از وزش آنها لب به شکایت می‌گشاید و وادار می‌شود که بی اختیار چشمهایش را روی بدبختیهای سرزمینش ببندد تا شومیهای آن را لحظاتی به فراموشی بسپارد.

بگذار فرو بگیردم خواب / کز هر طرفی همی وزد باد... (همان: ۳۸)

نیما در شعر «شیر» با لحنی حماسی، انزجار خود را از غفلت اجتماعی ابراز، و با اعلام زمان کار، بیداری توده مردم را طلب می‌کند:

شب آمد مرا وقت غریدن است / گه کار و هنگام گردیدن است / به من تنگ کرده جهان جای را / از این بیشه بیرون کشم پای را / حرام است خواب (همان: ۶۳)

نیما در فضای تاریکی که پس از کودتای ۱۲۹۹ و وقایع سال ۱۳۰۰، ایران را فرا گرفته است، شعر «یادگار» را می‌سراید. او در این شعر با تسری دادن اوضاع اجتماعی در ساحت شعرش، تولد خود را ظهور طالع نحس می‌نامد:

در دامن این مخوف جنگل / وین قلّه که سر به چرخ سوده است  
اینجاست که مادر من زار / گهواره من نهاده بوده است  
اینجاست ظهور طالع نحس

(همان: ۷۱)

در سال ۱۳۰۳ (دوره نخست وزیری رضاخان) و تلاطم‌های اجتماعی، نیما باز هم با نگاهی بدبینانه به زندگی، مرگ را به خود می‌خواند:

روح آزاد و تن به بندگی است / مرگ آخر بیا، چه زندگی است!... / حسرت و یأس  
اگر حیات من است / خوش‌تر از آن مرا ممت من است (همان: ۹۰)

به طور کلی در شعر نیما نوعی انتقاد و بدبینی و نگرانی را می‌توان حس کرد. با وجود این، هیچ‌گاه شعر او به یکباره از نشانه‌های نویدبخش تهی نشده است. «به همین دلیل

است که نیما با وجود اینکه چند سالی پس از شکست سال ۱۳۳۲، هم زنده بود، هرگز شعر شکست نسرود» (فروانچاهی، ۱۳۷۵: ۵۴).

نیما و اجتماع او در فاصله بین سالهای ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۳ تلخترین و سخت‌ترین روزها را می‌گذراند. شاعر حساس و نوپرداز ما در نامه‌ای به برادرش در سال ۱۳۰۲ در چند جمله رمانتیک از این اوضاع خبر می‌دهد: «خیال می‌کنم، آسمان می‌گرید. گله‌ها به رنگ قلب من خونین شده‌اند؛ بادها می‌نالند و بنفشه هم سر به زیر انداخته، مثل من محزون است» (نیما یوشیج، ۱۳۷۶: ۷۳).

شعر محبس، که در سال ۱۳۰۳ سروده شده است، تصویری غم‌انگیز از بی‌عدالتی و زندانی شدن بی‌گناهان ارائه می‌دهد:

... این یکی را گنه که کم جنگید / و آن دگر را گنه که بد خندید / گنه این زبیم رفتن  
جان / در تکاپو فتادن از پی نان / گنه آن قدم نهادن کج / گنه این گشادگی دهان / این  
چنین شان عدالت فایق / کرده محکوم و مرگ را لایق  
(همان: ۱۰)

سایه سنگین نظام ارباب و رعیتی و رابطه شبان-رمگی که در جامعه کشاورزان و روستاییان آن زمان حاکم بود، علاوه بر اینکه بر فاصله طبقاتی می‌افزود به گسترش فقر در جامعه هم کمک می‌کرد:

سالها خواجه زاده را بنده / به ادب سر به زیر افکنده / عمر با مسکنت به سر برده / ناامید  
از زمان آینده / گنهش در سرشت هیچ نبود / جز به فرمان خواجه زاده سجود (همان: ۱۲)  
نیما افسوس خود را از وضعیت اجتماع آن روز و استبداد و خفقان حاکم بر زمان چنین بیان می‌کند:

لب ما ای دریغ، بسته شده / دل ما در فشار، خسته شده (همان: ۱۹)  
حضور اشغالگران روس در شمال ایران، عامل جنگ و کشتار مردم است و دولت انگلیس نیز به منافع خودمی‌اندیشد و آنچه در این میان بی‌اهمیت است، فقر و نیاز مردم ایران است: جنگ هر ساله از برای چیست؟ / «نیکلا»<sup>۲</sup> داند این چه غوغایی است. /



حرص دوارباب، فتنه جویان است، / پس فقیران را، خانه ویران است؟ / قصد آن ارباب،  
باز پابرجاست! / نیکلا آقاست (همان: ۱۱۹).

نیما پس از «ای شب» در یک آزمون همه جانبه «مانیفیست شعر رمانتیک»<sup>۳</sup> عصر  
رضاخانی «شفیعی کدکنی، ۱۳۱۳: ۵۰» یعنی منظومه افسانه را می‌آفریند. نیما در افسانه،  
«رمانتیسیم ایرانی»<sup>۴</sup> را به نمایش می‌گذارد. او در نامه ای به دوستش شاید با این جملات  
برای بومی کردن رمانتیسیم در شعر ایران و تفاوت آن با رمانتیسیم غربی تأکید می‌ورزد:  
«خنده ام می‌گیرد از آنهایی که در گوشه و کنار می‌شنوم به من می‌گویند: روسو! هوگو!  
چه ضرری دارد که من خودم باشم؟» (نیما یوشیج، ۱۳۷۶: ۴۰) خوانش شعر نیما در این  
دوره بیانگر این است که قصه رنگ پریده و منظومه افسانه، مهمترین اشعار او در این دوره  
«در مجموع آثاری است که بر فضای آنها بیشتر روح رمانتیک نیمه عاشقانه حاکم است تا  
اندیشه‌های ناب اجتماعی و جهان بینی عمیق شاعر» (ثروت، ۱۳۷۷: ۱۳). شاعری که دوران  
کودکی خود را در آغوش خیال انگیز طبیعت گذرانده است، گرایشهای رمانتیک را به  
عنوان میراث دوران کودکی و نوجوانی در سرشت خویش حفظ می‌کند و در سالهای بعد  
این گرایشها از شعر او و بویژه افسانه اش سر بر می‌آورد. افسانه، حاصل آمیزش آشنایی  
شاعر با شعر قدیم ایران و ادبیات غرب و طبیعت گرایی نیماست.<sup>۵</sup>

اخوان ثالث، روح سادگی حاکم بر شعر نیما را چنین بیان می‌کند که «شعر نیما به این  
اعتبار، که در قلمرو شعر ناب و بری از آمیختگی و آلودگی است و سرشار از عصمت و  
صفای روستایی به باباطاهر می‌ماند؛ مخصوصاً احساسیت و سوز سخنش» (اخوان ثالث،  
۱۳۵۷: ۳۴). نیما در افسانه سه مفهوم رمانتیسیم، ارزشی و اجتماعی را پی گرفت که از این  
میان انعکاس رمانتیسیم در آن مشهودتر است. افسانه شعری است که نیما در آن به دنبال  
رهایی و گریز است. گریز به آرمانشهر خویش، گریز به دنیایی دیگر، گریز به روزگاران  
خوش گذشته و در نوردیدن مرزهای ناخود آگاهی. او حتی با به چالش کشیدن حافظ در  
عشق به دنبال گریز از سنت است:

حافظا این چه کید و دروغیست / کز زبان می و جام و ساقی است؟ / نالی ار تا ابد  
باورم نیست / که بر آن عشق بازی که باقی است / من بر آن عاشقم که رونده است (نیما  
یوشیج، ۱۳۶۴: ۵۸).

پس از اشعار اولیه و خلق افسانه، نیما آزمونی جدید پیش رو دارد. او با آمیزش رئالیسم و رمانتیسم به بیان روایی مسائل جامعه می پردازد. مطالعه شعرهایی چون « محبس » و « خارکن » (۱۳۰۳) و « خانواده سرباز » (۱۳۰۴) نشان می دهد که نیما از رمانتیسم افسانه بتدریج فاصله می گیرد و به نوعی رئالیسم اجتماعی روی می آورد.

در مجموع می توان گفت وضعیت حاکم در سیر تکامل شعر نیما تأثیر بسزایی داشته است. تفکر استبدادی حاکم بر جامعه، برخورد مخالفان نوآوری، نظام کهنه پرست اجتماعی، عادت ذهنی مردم به موسیقی و شعر کهن و... هر یک از عوامل عمده ای است که نیما برای گریز از شکست حرکت نوگرایانه خود به آن توجه دارد. از این رو او در خلق اشعارش پیوند خود را با شعر قدیم همچنان حفظ می کند. ۸۸/۲٪ اشعار این دوره سنتی است و شاعر با دو شعر «افسانه» و «شیر» آغاز دوره ای جدید در شعر فارسی را نوید می دهد.

#### جدول شماره ۱: فراوانی اشعار نیما بر اساس قالب در دوره اول

دوره	سنتی	نیمه سنتی	نو	جمع
اول: ۱۲۹۹-۱۳۰۴	۱۵	۲	۰	۱۷

#### جدول شماره ۲: فراوانی اشعار سنتی نیما در دوره اول (۱۲۹۹-۱۳۰۴)

دوره	ترکیب بند	غزل	قصیده	قطعه	مثنوی	جمع
دوره اول ۱۲۹۹-۱۳۰۴	۵	۰	۰	۷	۳	۱۵

این جدولها نشان می دهد که شعر نیما در دوره اول کاملاً سنتی است. ۶۶/۶ درصد اشعار سنتی نیما در قالب قطعه و مثنوی است حال اینکه سهم ترکیب بند، غزل و قصیده به ترتیب ۳۳/۳ درصد است.

مطابق آمار، نیما در اشعار سنتی خود، بیش از همه به دو قالب قطعه و مثنوی گرایش دارد که برای بیان مسائل اجتماعی مناسبتر است. این گرایش در دوره‌های بعدی هم مشهود است.

## ۲- دوره دوم: از به قدرت رسیدن رضا خان تا ۱۳۱۰ (اوایل حکومت رضا شاه)

مهمترین حوادث اجتماعی: اوگیری استبداد رضاخانی در ایران، کشف کمیته سری و اعدام سرهنگ احمد پولادین<sup>۶</sup> و گسترش نارضایتهای عمومی از حکومت از مهمترین مسائل اجتماعی است که در شعر این دوره انعکاس داشته است (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۹۸).

**تبیین جامعه‌شناختی شعر نیما در دوره دوم:** نارضایتهای مردم از وضعیت اجتماعی، پس از کودتای ۱۲۹۹ هـ ش و ورود ارتش قزاق به تهران که با قدرت یافتن رضاخان همراه بود با شکست نهضت جنگل در سال ۱۳۰۰ و نخست وزیر شدن و پس از آن پادشاهی رضاخان، عمق بیشتری یافت. این نارضایتی در برخی اشعار نیما در دوره دوم انعکاس یافته است.

به لحاظ مفهومی تعداد زیادی از اشعار سنتی در این دوره، جنبه‌های اخلاقی و حکمی دارد و نیما با رویکردی انتقادی و گاه طنز آمیز، کوتاه بینی، پستی، حرص و شکم پرستی، سنت گرایی، جهل، هرزگی و ظاهربینی را به نقد می‌کشد. اما نکته قابل توجه در اشعار نیمه سنتی نیماست که در آن نیما را می‌توان در سه هیئت، شاعر تجددطلب، سیاستمدار و منتقد اجتماعی دید. اصلاحات ظاهری در آن سالها راه را برای غارت نوین در ایران باز کرده بود و نیما در چنین اوضاعی، مبارزه علیه استعمار را چاره کار می‌داند:

ای ستمدیده مرد شو بیدار / رفت نحسی قرن‌ها بر باد ... / زود خیزید و چاره ای سازید / تا کنیدش ز بیخ و از بنیاد

(نیما یوشیج، ۱۳۶۴: ۱۲۵)

در این دوره، ادبیات نیما و زبان شعری او دیگر رمانتیک محور نیست؛ بلکه او در این سالها (بوژه در اشعار نیمه سنتی اش) شاعر ی است که رویکردی واقع‌گرایانه به مسائل اجتماعی دارد و آشکارا می‌گوید که «درد من اغتشاش دوران است» (همان: ۱۲۷). اوج

صراحت بیان و رئالیسم‌نمایی را می‌توان در همین دوره و در اشعاری چون: «جامهٔ مقتول»، «شهید گمنام» و «سرباز فولادین» مطالعه کرد:

چه هراسی است چه کس در پی ماست. / مابمیریم که یک ابله شاست؟ / مرگ با فتح  
مرا، بهتر است از این ننگ  
(همان: ۱۴۰)

اعدام سرهنگ پولادین، که در پی کشف کمیته سری به سال ۱۳۰۶ هـ.ق صورت گرفت، بیانگر اوج گرفتن فضای اختناق در عصر رضاشاه است. با اوجگیری استبداد، نیما به اشعار سنتی و حکمی روی می‌آورد و برای چندین سال، بلندترین فریاد او، سکوت می‌شود. این فضای اختناق، خود بستری می‌شود تا شاعر ما در سالهای بعد به نوعی نمادگرایی عمیق در شعرش روی آورد؛ رویکردی که باعث شد موجی از ابهام (ambiguity) در شعر نیما ایجاد شود و نیز حرکتی که پایه‌های آن در این دوره و در اشعاری چون «از ترکش روزگار»، «بشارت» «شمع کرجی» و... در حال شکل‌گیری بود:

هر چیز همچو سایه‌ای از جای می‌رود / استاده همچو رنگی و بی پای می‌رود / در عالم سکون رنجی است نطفه بند / خورشید خرده خرده می‌شکند، یا گشته است طرد / بی نور بس که مانده و خندیده بس که سرد / دارد از آن زمین، اکنون به دل نفور... (همان: ۱۵۱)

بررسی اشعار نیما در دورهٔ دوم نشان می‌دهد که شعرهای او در دورهٔ دوم با شعر نیمه سنتی «از ترکش روزگار» آغاز می‌شود و پس از خلق ۴۶ شعر مختلف در اسفند ۱۳۱۰ با شعر نیمه سنتی «صبح» پایان می‌گیرد.

### جدول شماره ۳: فراوانی اشعار نیما بر اساس قالب در دوره دوم

جمع	نو	نیمه سنتی	سنتی	دوره
۴۶	---	۱۴	۳۲	دوره دوم: ۱۳۰۵-۱۳۱۰

با اوجگیری استبداد بویژه پس از سال ۱۳۰۶ هـ.ش، نیما نیز به اشعار سنتی روی می‌آورد. ۲۹ شعر از ۳۲ شعر سنتی نیما در این دوره، پس از اعدام سرهنگ پولادین (۱۳۰۶) سروده شده است. اگر چه نیما هنوز به تشخیص سبکی مورد نظر خود در شعر نرسیده است، وجود اختناق و تأثیر آن بر لایه‌های مختلف اجتماع و نگرش نیما به ابهام در شعر به نوعی

از حرکت او به سوی سبک سمبلیک حکایت دارد. اگر سال ۱۳۰۶ هـ. ش و اعدام سرهنگ پولادین را در این دوره محور قرار دهیم و به قالبها و شیوه بیان نیما نگاهی دقیق بیفکنیم در می‌یابیم که نیما قبل از این سال با بیانی نوجویانه و در اشعار سنتی به نقد دستگاه حاکم و بیان مسائل اجتماعی می‌پردازد. ۱۱ شعر از اشعار نیمه سنتی او، یعنی ۷۸/۵٪، قبل از کشف کمیته سری و اعدام آفریده شده است. در این دوره نیما هنوز به تشخیص سبکی مورد نظر خود در شعر نرسیده است اما تهدید آزادی بیان و گسترش جبر دستگاه حاکم، باعث گرایش نیما به ابهام می‌گردد و در سالهای بعد بر اشعار نیما تأثیر مستقیم کمی و کیفی دارد.

#### جدول شماره ۴: فراوانی اشعار سنتی نیما در دوره دوم

جمع	مثنوی	قطعه	قصیده	غزل	ترکیب بند	دوره
۳۲	۱۱	۱۷	۴	۰	۰	دوره دوم: ۱۳۰۵-۱۳۱۰

از تعداد کل اشعار سنتی نیما در این دوره، ۲۹ شعر یعنی ۹۰/۶٪، این اشعار پس از سال ۱۳۰۶ سروده شده است. از سه شعر نیمه سنتی، «بهار»، «سال نو» و «صبح»، تنها «صبح» کارکرد نه چندان درخشان اجتماعی دارد؛ زیرا بهار در حوزه ادبیات کودک سروده شده و سال نو مانند اشعار سنتی نیما در حوزه ادبیات تعلیمی خلق شده است.

#### ۳- دوره سوم: دوره رکود کمی در شعر نیما (۱۳۱۱-۱۳۱۶ هـ.ش)

مهمترین حوادث اجتماعی این دوره: درگیریهای سیاسی اقلیت مجلس به رهبری مدرس با حکومت، تحدید و فرمایشی کردن فعالیتهای مجلس شورای ملی، افزایش فاصله طبقاتی در ایران و سایه همه جانبه استبداد بر زندگی مردم از مهمترین مسائل اجتماعی این دوره به شمار می‌رود (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۹۸).

**تبیین جامعه‌شناختی شعر نیما در دوره سوم:** این دوره کم‌کارت‌تر از دوره‌های دیگر است. «دود» و «قلعه سقریم» (۱۳۱۳)، «در رثاء اعتصام الملک» و «ققنوس» (۱۳۱۶) چهار شعر بجای مانده از او در این دوران است. بجز قلعه سقریم، سه شعر

دیگر، اشعار ارزشمندی به شمار می رود. در شعر «دود» (۱۳۱۳) نیما از ورود شعرش به فضایی جدید خبر می دهد:

بر سر بام روستایی ما / می جهد دودی از ده روزن ... / می سپارد به دست باد خبر /  
می شود محو، مثل فکر کهن  
( همان: ۱۸۹ )

سه سال بعد نیما، رثاء اعتصام الملک، نماد و نماینده جامعه سنتی را می سراید و با مرگ او، ققنوس (۱۳۱۶) تولد می یابد و سرآغاز و سر فصلی نوین در شعر ایران گشوده می شود. اگر ققنوس در این دوره تولد نمی یافت، می توانستیم آن را «دوره فترت نیما» قلمداد کنیم.

ققنوس، زبان ماندگار نیمایی است که حدود دو دهه در عرصه شعر به آزمونهای متفاوت دست زده است. ققنوس زبان پایدار کسی است که در جستجوی بهترین قالب بیان برای خاموش نبودن در فضای رعب و وحشت عصر استبداد بوده است. غور در اشعار نیما و تحلیل آمار این اشعار در این سه دوره بیانگر و روشن کننده بسیاری از زوایای فعالیت ادبی نیما است.

#### جدول شماره ۵: فراوانی اشعار نیما بر اساس قالب در دوره سوم

دوره	سنتی	نیمه سنتی	نو	جمع
۱۳۱۱-۱۳۱۶	۳	---	۱	۴

در این دوره از میان سه شعر سنتی نیما «دود» را می توان از اشعار مرحله گذر نیما ارزیابی کرد. ققنوس علاوه بر اینکه از جان گرفتن شعر نو در ایران خبر می دهد، آغاز راه و سبک نوینی است که ما آن را با سمبولیسم اجتماعی می شناسیم. نیما در این دوره به تغییر و دست اندازی در قالبهای سنتی و خلق اشعار نیمه سنتی نیازی ندیده؛ زیرا او قالب و سبک مورد نظر خود را یافته است.

#### جدول شماره ۶: فراوانی اشعار سنتی نیما در دوره سوم

دوره	ترکیب بند	غزل	قصیده	قطعه	مثنوی	جمع
دوره دوم: ۱۳۰۵-۱۳۱۰	۰	۰	۰	۲	۱	۳

رویکرد رضا شاه به مدرنیته و ترویج باستانگرایی، باعث ایجاد نوعی پارادوکس فرهنگی<sup>۷</sup> در لایه‌های مختلف حکومت رضا شاه شد. در لایه‌های پایین‌تر اجتماع، اگر چه جلوه‌هایی از زندگی مدرن به چشم می‌خورد، نوعی عدم توازن فرهنگی نیز مشاهده می‌شود. در عرصه ادبیات و در شعر نیما، این نابسامانی در شعر بلند «قلعه سقریم»، بیش از سایر اشعار مشهود است.

#### ۴- دوره چهارم: دوران بیم و امید در شعر نیما ۱۳۱۷-۱۳۲۸

**مهمترین حوادث اجتماعی:** شهادت شهید مدرس، حوادث پیرامونی جنگ جهانی دوم<sup>۸</sup>، جنگ جهانی و اشغال ایران توسط متفقین، استعفای رضاشاه<sup>۹</sup> و به قدرت رسیدن محمدرضا و تأسیس حزب توده<sup>۱۰</sup> در ایران مهمترین حوادث اجتماعی این دوره محسوب می‌شود (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۹۸).

**تبیین جامعه‌شناختی شعر نیما در دوره چهارم:** نیما پس از خلق ققنوس به سبکی پایدار در شعر خود دست می‌یابد و با این عقیده که «آن چیزی که عمیق است، مبهم است» (نیما یوشیج، ۱۳۵۱: ۱۳۶)، این نوع بیان شعری را تا پایان حیات شاعرانه اش ادامه می‌دهد. او در جایی دیگر اهمیت و کارکرد سمبلها را چنین بیان می‌کند: «سمبلها شعر را عمیقتر می‌کنند؛ دامنه می‌دهند؛ اعتبار می‌دهند و خواننده خود را در برابر عظمتی می‌یابد» (نیما یوشیج، ۱۳۶۸: ۷۹). در این سالها در عرصه فرهنگ تنها مضامینی فرصت بروز و نشر را می‌یافت که حکومت اجازه می‌داد و با قالبهای سنتی سازگارتر بود و مضامین وصفی، وطنی، تاریخی، ترجمه‌ای، کارگری، انتقادی، اخلاقی، تربیتی و... که اغلب در شعر سنتی تجربه شده بود، بیشتر فرصت خودنمایی یافت.<sup>۱۱</sup>

در اواخر دوره چهارم، یعنی از سال ۱۳۲۰ به بعد، وضعیت سیاسی ایران تغییر کرد. رضا شاه به استعفای اجباری تن داد و پسرش محمدرضا در ایرانی که توسط متفقین اشغال شده بود با شعارهای نوین و مردم‌پسند بر کرسی پادشاهی ایران تکیه زد. در آغاز پادشاهی او، محورهای قدرت سیاسی مجال بیشتری برای خودنمایی یافتند. به این ترتیب، مجلس، دربار، کابینه و احزاب سیاسی کوشیدند تا از فضای دموکراتیک ایجاد شده بهره لازم را ببرند؛ اما حرکت حکومت بتدریج سمت و سوی استبدادی به خود گرفت؛ به عبارت دیگر حرکت

کلی حکومت محمدرضا شاه از دموکراسی به سوی استبداد بود. این حرکت تا جایی ادامه یافت که مبانی دموکراسی به کلی رنگ باخت. در چنین اوضاعی شعر اجتماعی، افقهای گوناگون و متعددی یافت.

در سالهای پایانی این دوره، محمد مصدق به دلیل برخورداری از وجهه ملی و نیز داشتن شخصیت سیاسی کاملاً مستقلی، توانست در مبارزه های طولانی و دامنه دار با شاه و بیگانگان، صنعت نفت را در ایران ملی کند و به قهرمان ملی تبدیل شود. اقدامات مصدق الهام بخش بسیاری از شاعران گردید.<sup>۱۲</sup>

در سال ۱۳۱۷ (سالی که مدّس را به شهادت رساندند)، نیما در همدردی با اجتماع، مرغ غم را می سراید. او در آستانه جنگ جهانی دوم به کنج عزلتی پناه می برد و ناله سر می دهد. مرغ غم، خود نیماست:

آه سوزان می کشم، هر دم در این ویرانه من / گوشه بگرفته منم، در بند خود، بی دانه  
من / شمع چه؟ پروانه چه؟ هر شمع هر پروانه من (نیما یوشیج، ۱۳۶۴: ۳۱۱)

جنگ جهانی آغاز می شود و نیما در این زمان بوی خون را حس می کند:

پاسبانانی نشستند و به چشمان تابناک بوی خون آمد ز وحشتخانه این آب و خاک  
(همان: ۳۱۷)

جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۱۸، فضایی تاریک را بر شعر نیما، حاکم می کند؛ فضایی که در آن چاره گری و تدبیر بی اثر است و دشمن به تنگنای خانه مردم نفوذ می کند و با تیرهایی که به زهر کینه آلوده است، سینه مردم را هدف قرار می دهد (همان: ۳۲۴).

به این ترتیب، وجود نیما را نوعی سردرگمی اجتماعی فرا می گیرد و هیچ تکیه گاهی برای رهایی نمی یابد و فریاد بر می آورد: «به کجای این شب تیره بیاویزم، قبابی ژنده خود را» (همان: ۳۲۵). اوضاع اجتماعی سال ۱۳۱۸ آن قدر تاریک است که نیما در پیوند خود با طبیعت، عناصر طبیعی را در بیان این تاریکی به کار می گیرد. در شعر «گل مهتاب»، گل‌های جنگلی از افسانه غمناک و پراز چرک زندگی، طرحی دیگر می سازند. نیما در ۱۶ فروردین ۱۳۱۹ رقابتهای استعماری روسیه و انگلستان را در شعر لاشخورها به تصویر می کشد.



حریص بودن استعمارگران و سیاستهای آلمان دوستی رضاشاه از یک سو و ضعف قزاقها و نبودن ارتشی قدرتمند از سوی دیگر باعث شد تا بداندیشان و شیاطین به جامعه ایران هجوم آورند. نیما در طرحی سمبلیک از جامعه (خانه سریویلی)، حضور استعمار (شیطان) را در پشت در حس می‌کند. شیطان که نماد استعمار است در حالی برای نفوذ به خانه سریویلی تلاش می‌کند که سایر افراد جامعه به افکار شیطانی او چندان توجهی ندارند و تنها سریویلی است که او را با هوش سرشار خود می‌شناسد و افکار زیان‌آور او را می‌خواند. نیما با یاد و حسرت روزهای آرام دره‌های سرسبز شمال آغاز می‌کند:

ساکتین درّه‌های سردسیر کوهساران شمال / آن زمان در حال آرامش / زندگیشان بود.  
/ وز فریب تازه زشت بدانگیزان / فکرت آنان نمی‌آشفت. از این رو / بود در آن جایگه  
سرگرم، هر چیزی به کار خود... (همان: ۳۳۳)

حدود یک سال قبل از اشغال ایران توسط متفقین، نیما در شعر «طوفان» سایه ابری سیاه را که بر سرزمین مازندران سایه افکنده است به تصویر می‌کشد:

چو ابر برکرد سرزکوه مازندران سیاه کرد این جهان همه کران تا کران  
زمین صلابت گرفت، هوا مه‌آب فزود از بر «لاویج» کوه، تا به سر  
«لووران»...

(همان: ۳۷۲)

القای فضای مثبت روانی و نوید روزی روشن در اشعاری که نیما در سال ۱۳۱۹ سروده است به چشم می‌خورد. او در ابتدا فضای تیره و شب دهشتناک ایجاد شده بر اثر تحولات جهانی آن سالها را ترسیم می‌کند و آن گاه به بیدارگری و امیدبخشی می‌پردازد:

هنگام شب که سایه هر چیز زیر و روست / دریای منقلب / در موج خود فروست /  
آن گاه می‌گوید: «پایان این شب، چیزی به غیر روشن روز سفید نیست...» (همان: ۳۷۲)

چنین روندی در شعر «همسایگان آتش» هم به چشم می‌خورد. نیما می‌کوشد تا با سرکوب کردن پلیدیها به تحریک اجتماعی و امیدبخشی و نیز ترسیم فضا و دورنمایی روشن دست یابد. این نوع کارکرد شعری را از او در اشعاری چون «شکسته پر»، «خواب زمستانی»، «امید پلید» و... سراغ داریم. او به خواننده اش القا می‌کند که: «می‌رسد صبح طلایی» (همان: ۳۹۳)؛ اما هر چه به شهریور ۱۳۲۰ نزدیکتر می‌شویم بر شعر نیما خواسته یا

ناخواسته، رنگی از بیم و یأس پاشیده می‌شود. در نگاه نیما خروس، که نماد بیدارگری و خبردهنده صبح است به رغم همه تیرگیها آواز می‌خواند. خروس بیدارگر، خبر از آمدن سوداگران شب می‌دهد که بر مرکب تیرگیها سوارند. آیا نیما حوادث سال ۱۳۲۰ را پیش بینی کرده است؟

در ناحیه سحر خروسان / این گونه به رغم تیرگی می‌خوانند: / «آی آمد صبح روشن از دور / بگشاده برنگ خون خود پر / سوداگرهای شب گریزان / بر مرکب تیرگی نشسته / دارند ز راه دور می‌آیند.» ... (همان: ۳۹۷)

«نیما این فرزند جنبش مشروطه می‌کوشد تا جنبش اجتماعی را به زمینه هنری ببرد» (دستغیب، ۱۳۵۴: ۱۰۳). در اوایل شهریور ۱۳۲۰ ایران توسط قوای متفقین اشغال شد. از نگاه نیما صبح، اگر چه خنده بر لب دارد، سپید و روشن نیست. صبح نیما در این ایام، صبحی لگه دار و خاکستری است که در زیر دندانهایش، شبی چرکین و تیره نهفته است. نیما با نگاه موشکافانه ای نشان می‌دهد که به همه معادلات سیاسی و اجتماعی زمانه خویش آگاه است. اوضاع ایران پس از جنگ اوضاعی به هم ریخته است و استبداد رضاخانی، پس از برکناری رضاخان به رغم همه شعارهای فرزندش همچنان ادامه می‌یابد و مردم ایران در زیر ویرانه‌های شب به جای مانده از جنگ به روشنی شراره‌ای سرد شده، چشم می‌دوزند و به شادی روزی امید دارند که در آن خورشیدی برای نور افشانی وجود ندارد. آنان در چنین فضایی هزاران اندوه نهفته در درون دارند که به سراغشان می‌آید و نیما، که نماینده اجتماع خویش است، خود را، که سمبل یک انسان در آن عصر است، این گونه معرفی می‌کند:

از بر این بی هنر گردنده بی نور / هست نیما اسم یک پروانه مهجور ... / دست سنگینی است، / در درون تیرگیهای عذاب انگیز / که به روی سینه اهریمنان و نابکاران و درویشان فرود آید / هم چنین روی جبین نازنینان و فرشتگان ... (نیما یوشیج، ۱۳۶۴: ۴۰۴)

نیما در فضای استبدادی که در اوایل حکومت محمدرضا شاه پهلوی بر کشور ایران حاکم شده بود، باز هم شب را دستاویزی برای بیان واقعیتهای جامعه قرار می‌دهد و در فضایی که هیچ آزادی برای بیان مسائل اجتماعی وجود ندارد، سکوت را توصیه می‌کند و باز هم امیدبخشی می‌کند:

هیس! آهسته / قدم از هر قدمی دارد بیم / به ره دهکده، مردی عریان / دست در دست  
یکی طفل یتیم / هیس! آهسته شب تیره هنوز / می‌مکد زیر دندان لجن آلودش / هرچه  
می‌بیند خواهد نابودش ... (همان: ۴۳۳)

صدای ناقوس، جهانی است و دامنه نفوذی وسیعی دارد و نیما در مسیر بیابان، در  
گورهای چشم، در حبسگاه‌ها که از شب بسته‌اند رنگ، در خانه‌های زیر زمینی، در گیر  
ودار معرکه عاجز و قوی، در رخنه‌های خلوت و متروک، در خوابهای شیطنتی که جهان-  
خواران با آن گرفته خوی، در هر جا که حاصلی است و یا دل سوخته‌ای است، آن را  
می‌نوازد و آنان را که به خواب رفته اند، بیدار می‌کند. نیما در سال ۱۳۲۴ و در شعر مانلی به  
واسطه مسائل اجتماعی، مرد ماهیگیر را از فضای رمانتیسم منظومه مانلی به فضای رئالیستی  
می‌برد و او را در تلاش برای رسیدن به وضعی آرمانی قرار می‌دهد تا اینکه در صحنه  
تراژیک رمانتیسم، آن گاه که در آغوش پری دریایی قرار گرفته به کام دریا فرو می‌رود.

پس از جنگ جهانی دوم، خواست عمومی برای خروج نیروهای روسیه و انگلستان  
مطرح شد. نیروهای انگلیس بنا به دلایلی از ایران خارج شدند اما روسیه برای گسترش  
نفوذ فکری و سیاسی خود به حضور خود در ایران ادامه داد. در این اوضاع فضای اجتماع  
بسیار بسته است و نیما برای شناساندن میزان وجود اختناق این دوره می‌گوید:

خنده دزدیده، دواندام سوی لب / همچو خونی که دود در بن پوست (همان: ۵۱۶)

صدای جهانی نیما، که در شعر ناقوس و در جریان حضور روسها در شمال ایران، پس از  
جنگ طنین انداخته بود، یک بار دیگر در آبان ۱۳۲۵ با آوازخوانی خروس ادامه می‌یابد.  
نیما، که مجموعه تحولات جهانی را - با وجود اینکه ایران به نوعی در متن این تحولات  
هم بود- در ایجاد تغییرات و اصلاحات اساسی در ایران ناموفق دیده بود، باز هم شعرش را  
در خدمت مسائل اجتماعی قرار می‌دهد و در تلاش است با آن از خراب آباد ایران، راهی  
به سوی آبادی نشان دهد. گویا غفلت اجتماعی و بی تفاوتی گسترده مردم نسبت به اوضاع  
اجتماعی، دردی است که نیما را رها نمی‌کند. خوانش شعر «پادشاه فتح»، چنین فکری را  
القا می‌کند. او در آغاز به توصیف شب می‌پردازد و آن گاه، بی حرکتی و غفلت را به  
محکمه انتقاد می‌کشد:

در تمام طول شب / کاین سیاه سالخورده انبوه دندانهاش می ریزد... پادشاه فتح بر تختش لمیده است (همان: ۵۳۴).

حضور روسها پس از جنگ تا سال ۱۳۲۴ ادامه دارد، آنها با حمایت از جبهه دموکرات آذربایجان به آشوبهای داخلی در ایران دامن می زنند. نگاه نیما به استعمارگران روسی، نگاهی پر از نفرت است. در شعر «روی جدارهای شکسته» از حضور دیر پای آنها در سرزمین ایران سخن می گوید و عملکرد آنان را در قالب نهادها ثبت می کند (همان: ۵۴۲).

هنر نیما در بیان مسائل اجتماعی و نابسامانی های دوران خود، این است که به شکل بسیار زیبایی، عناصر طبیعت را به اوضاع اجتماعی پیوند می زند و آنها را به خدمت اهداف خود در می آورد؛ چنانکه هر گاه نیما جامعه را تاریک ببیند، آن گاه:

آب می غرد در مخزن کوه / کوه ها غمناکند / ابر می پیچد، دامانش تر / وز فراز درّه،  
«اوجا»ی جوان / بیم آورده برافراشته سر (همان: ۵۵۳)

از اجاق روشن سالهای گذشته، تنها خاکستر سردی به جا مانده است. آتش اجاق، آتش زندگی است و داستان خاموشی آن برای شاعر درد است.

مانده از شبهای دورا دور / برمسیر خامش جنگل / سنگچینی از اجاقی خرد /  
اندروخاکستر سردی ... / داستانی حاصلش دردی (همان: ۵۶۷)

در سال ۱۳۲۸ برخی از جنبش های مردمی و سیاسی برای ملی کردن صنعت نفت شکل می گیرد و مخالفت های گسترده ای چه از طرف قدرتهای خارجی و چه از سوی عمال آنها در داخل با این جریان شکل می گیرد. شاید بارانی که نیما، باریدن آن را به رغم مخالفت های باد تصویر کرده است، گذر سمبلیک شاعر از این ماجراهاست:

برفراز دشت باران است. باران عجیبی! / ریزش باران سر آن دارد از هر سوی و ز  
هرجا، / گه خزنده، گه جهنده، از ره آوردش به دل یابد نصیبی / باد لیکن، این نمی خواهد  
(همان: ۵۷۰).

نیما در این دوره شعرش را آینه تمام نمای مسائل اجتماعی ایران می کند. او عناصر طبیعت، پرندگان و زمان را به نوعی خود آگاهی می رساند و در سایه این خود آگاهی، استبداد، فقر، غارت و سایر مسائل اجتماع را بیان می کند.

بررسی آماری شعر این دوره نشان می‌دهد که دوره چهارم پرکارترین دوره کار نیماست. در این دوره، او ۴۷/۲٪ از کل اشعارش را می‌سراید. از این آمار می‌توان نتیجه گرفت که نیما در این دوره بیش از هر زمان دیگری، حساسیتهای اجتماعی دارد.

#### جدول شماره ۷: فراوانی اشعار نیما بر اساس قالب در دوره چهارم

جمع	نو	نیمه سنتی	سنتی	دوره
۹۳	۵۷	۲۳	۱۳	چهارم: ۱۳۱۷-۱۳۲۸

کاهش تعداد اشعار نیمه سنتی در این دوره نسبت به دهه اول شاعری نیما بیانگر نوعی ثبات در شعر نیماست. او پس از خلق شعر نو و سمبلیک ققنوس در سال ۱۳۱۶ به پردازش و پالایش این شعر در دوره های چهارم و پنجم می‌پردازد و هنرش را در خدمت مسائل اجتماعی قرار می‌دهد و از این راه به اوج سمبولیسم اجتماعی در شعر دست می‌یابد. مقایسه تطبیقی آمار نشان می‌دهد که نیما در دوره های اول تا سوم بجز مواردی نه چندان ژرف، استفاده چندانی از نمادها نکرده است حال اینکه آمار بهره‌گیری از نمادها در دو دوره چهارم و پنجم بسیار است. آمار اشعار سنتی این دوره در مقایسه با دوره‌های گذشته سیر نزولی معناداری داشته است.

#### جدول شماره ۸: فراوانی اشعار سنتی نیما در دوره چهارم

جمع	مثنوی	قطعه	قصیده	غزل	ترکیب بند	دوره
۱۳	۱	۵	۲	۵	۰	دوره چهارم: ۱۳۱۷-۱۳۲۸

در این دوره تنها ۱۳ شعر سنتی داریم حال اینکه تعداد این نوع اشعار در دوره‌های اول و دوم به عدد ۴۷ می‌رسد. بنابراین آمار می‌توان گفت که نیما برای رسیدن به تشخیص سبکی در دوره اول و دوم تلاش می‌کند و در صدد یافتن راهی نو به اشعار نیمه سنتی روی می‌آورد تا سرانجام در دوره سوم و با خلق ققنوس به شیوه مطلوب دست می‌یابد.

۵- دوره پنجم: از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا جاودانه شدن نیما در سال ۱۳۳۷  
 مهمترین حوادث اجتماعی: «نفوذ تدریجی امریکا پس از خروج نیروهای انگلیس و شوروی از ایران، شروع مبارزه برای ملی شدن صنعت نفت به رهبری مصدق و آیت الله کاشانی به نتیجه رسیدن مبارزات و ملی شدن صنعت نفت در اسفند ۱۳۲۹، نخست وزیری دوباره مصدق بعد از استعفای او در تیر ماه ۱۳۳۱، روی کار آمدن قوام و بازگشت مصدق با قیام سی تیر به نخست وزیری، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به یاری سازمان جاسوسی امریکا- سیا - سرنگون شدن مصدق و نخست وزیری سرلشکر زاهدی و بازگشت مجدد شاه - که در ۲۵ مرداد از کشور گریخته بود - و بالاخره دوره اختناق پس از کودتا» (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۹۸).

**تبیین جامعه شناختی شعر نیما در دوره پنجم:** شب در شعر نیما، که نماد اختناق و خفتگی و ظلمت اجتماعی است در سه شعر «هنوز از شب...»، «مرغ شب‌اوز» و «شب است» در سال ۱۳۲۹ به گونه‌ای ملموس فضای اختناق و در عین حال دادخواهی مردم را به نمایش می‌گذارد. در حالی که شب تاریک مردم ایران، هنوز به پایان نرسیده است، نیما به عنوان پیام آور صبح اعلام می‌کند که:

هنوز از شب دمی باقی است، می‌خواند در او شب‌گیر / و شب تاب، از نهانجاش، به ساحل می‌زند سوسو.....  
 (نیما یوشیج، ۱۳۶۴: ۶۰۴)

ایران باز هم آبستن حوادثی است. «وگ‌دار» از این حوادث به نیما خبر می‌دهد و نیما بیمناک است و شب در نگاه او گستره جهانی پیدا می‌کند:

شب است / شبی بس تیرگی دمساز با آن / به روی شاخ انجیر کهن «وگ‌دار»  
 می‌خواند به هر دم / خبر می‌آورد طوفان و باران را و من اندیشناکم (همان: ۱۰۱)  
 قدرتهای استعماری از جمله آمریکا در نگاه نیما، جهانخواره هستند. او در مرغ آمین چنین نظری دارد:

خلق می‌گویند: / «اما آن جهانخواره / (آدمی را دشمن دیرین) جهان را خورد یکسر  
 (همان: ۶۰۸)

در سال ۱۳۳۰ و در حول و حوش مسائل نفت در ایران، نیما داستان نفت خواره<sup>۱۳</sup> را می‌نویسد. او در سال ۱۳۳۱ و شاید در آستانه قیام تیرماه این سال، که مردم زیادی کشته و زخمی و زندانی شدند، می‌گوید: «من چهره‌ام گرفته» (همان: ۶۱۴) من نیما، نماینده جامعه اوست.

نیما همچنان امیدوار است تا بارانی بر کشتگاه خشکیده‌اش باریدن بگیرد. او در شعر داروگ «ظاهراً اشاره‌ای دارد به کشتارهای جمعی همسایگان شمالی و در عین حال فعالیتهای صنعتی و کشاورزی آنان و خرابی و خشکسالی در این سوی ساحل خزر» (ثروتیان، ۱۳۷۵: ۲۱۴).

در سال ۱۳۳۱ در چشم تیز بین نیما، «همه دنیا خراب و خرد از باد است» (همان: ۶۲۰) و با سخن گفتن از خانه‌اش که در واقع خانه همه ماست، اوضاع و احوال حاکم بر ایران را به تصویر می‌کشد:

خانه‌ام ابری است / یکسره روی زمین ابری است با آن... (همان: ۶۲۰)

اما پس از سی‌م تیر، که ابرهای تیره از خانه نیما کنار می‌روند، روزهای آفتابی قیام مملی نهضت نفت سرعت سپری می‌شود و کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ هوای آفتابی را مجدداً به هوایی گرفته و بارانی تبدیل می‌کند؛ بارانی که یکریز بر روی بندرگاه ذهنی نیما. که نماد جامعه است - می‌بارد.<sup>۱۴</sup>

آسمان یکریز می‌بارد / روی بندرگاه..... / هم چنین بر روی بالاخانه همسایه من (مرد ماهیگیر مسکینی که او را می‌شناسی) (همان: ۶۲۵).

• نیما پس از کودتای ۲۸ مرداد دستگیر و زندانی شد.<sup>۱۵</sup> جلال آل احمد در این مورد می‌نویسد: «بعد از کودتای ۲۸ مرداد طبیعی بود که می‌آیند سراغش با آن سوابق. خودش هم بو برده بود که یک روز یک گونی شعر آورد خانه ما که برایش گذاشتیم توی شیروانی و خطر که گذشت دادیم. خیال می‌کرد که همه دعواهای دنیا سر لحاف گونی شعر اوست» (آل احمد، ۱۳۵۷: ۴۶). او در سراسر شعرش و به رغم همه تاریکیهایی که در اجتماع وجود دارد، خانه‌اش را روشن‌ترین مکان می‌بیند. این را می‌توان از مناظره شب پره ساحل نزدیک با نیما استنباط کرد. چنین وضعیتی را می‌توان در حضور سیولیشه (سوسک)، روی شیشه اتاق

شاعر هم دید. حضور این موجودات نفرت زا بر آستانه اتاق روشن نیما را می‌توان چنین ارزیابی کرد که هیچ یک از این موجودات از فضای روشن شعر نیما، طلب روشنایی نمی‌کنند؛ بلکه زندگی شاعر - که نماد انسان زمانه خویش است - همواره مورد هجوم شیاطین است.

• نیما در سال ۱۳۳۴ و در ادامه شب ستیزیهایی که با شعر «ای شب» آغاز کرده بود، شعر «هست شب» را می‌سراید و در یک همانندسازی کم نظیر از شب برای نشان دادن تاریکیهای جامعه بهره می‌برد و از این جزء طبیعی به یک کل اجتماعی می‌نگرد. نیما که در گذر از همه حوادث اجتماعی دوران زندگی، رنگی از صبح ندیده و همواره در حالتی از بیم و امید، انتظار و یأس و غم و خیال از آن سخن گفته است در شعر «برف» از صبحی سخن به میان می‌آورد که تصور می‌شود خاکستری رنگ است زیرا با اینکه از آن طرف «ازا کوه» دمیده است، باز هم، «وازنا» - کوه سرزمین یوش - پیدا نیست (نیما یوشیج، ۱۳۶۴: ۶۲۱). با وجود این نیما تا سرودن آخرین اشعارش و شاید تا گرمای آخرین نفسهای شاعرانه‌اش، همچنان شعر امید می‌سراید. او گوش به زنگ کاروان صبح می‌ماند و با چشمانی پر از انتظار روشنی در دی ماه ۱۳۳۸ به خواب ابدی می‌رود.

• شب همه شب شکسته خواب به چشم / گوش بر زنگ کاروانستم / با صداها نیم زنده ز دور (همان: ۶۳۳).

• با بررسی شعر این دوره تأثیر اوضاع اجتماعی را از نظر کمی و کیفی بر شعر نیما می‌بینیم.

#### جدول شماره ۹: فراوانی اشعار نیما بر اساس قالب در دوره پنجم

جمع	نو	نیمه سنتی	سنتی	دوره
۲۷	۲۶	---	۱	چهارم: ۱۳۱۷-۱۳۲۸

نیما، در دهه پایانی حیات شاعری خود، هیچ شعر نیمه سنتی دیگری نسرود. این کاهش آماری در قیاس با دوره‌های قبلی نشان می‌دهد که شاعر ما بنیانهای شعر نو را محکمتر از



هر زمانی می‌بیند و ضرورتی برای سرودن اشعار نیمه سنتی احساس نمی‌کند. پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲، نیما کم‌کارتر می‌شود به گونه‌ای که در دوره پنجم نیما تنها ۲۷ شعر سروده است. تکامل قالب و بیان و نیز اوج تفکر اجتماعی نیما در اشعار این دوره بخوبی پیداست.

### جدول شماره ۱۰: فراوانی اشعار سنتی نیما در دوره پنجم

جمع	مثنوی	قطعه	قصیده	غزل	ترکیب بند	دوره
۱	۰	۱	۰	۰	۰	دوره دوم: ۱۳۰۵-۱۳۱۰

نیما در این دوره بجز یک حکایت در قالب سنتی - که در تفنی بودن آن تردیدی نیست - هیچ شعر سنتی دیگری ندارد و این به منزله گسست کامل نیما از سرودن شعر سنتی است.

### نتیجه

دوران شاعری نیما را می‌توان به پنج دوره تقسیم کرد که هر یک از این ادوار با توجه به زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی ویژگی متمایزی دارد:

۱- شعر نیما در دوره اول (۱۳۰۴-۱۲۹۹) با توجه به تفکر استبدادی و نظام کهنه پرست اجتماعی، کاملاً سنتی است و در اشعار سنتی بیش از همه به دو قالب قطعه و مثنوی گرایش دارد که برای بیان مسائل اجتماعی مناسبتر است.

۲- در دوره دوم (۱۳۱۰-۱۳۰۵) نیما به سرودن اشعار نیمه سنتی روی آورد اما در مجموع تعداد اشعار سنتی شعر او دو برابر اشعار نیمه سنتی است و بیشتر آنها با اوجگیری استبداد بویژه پس از سال ۱۳۰۶ سروده شده است. در این دوره نیما هنوز به تشخیص سبکی مورد نظر خود در شعر نرسیده است. اما تهدید آزادی بیان و گسترش جبر دستگاه حاکم باعث گرایش نیما به ابهام، و نقد حکومت و بیان مسائل اجتماعی به شیوه سمبلیک آغاز می‌شود.

۳- در دوره سوم (۱۳۱۶-۱۳۱۱) نیما کم کارتر از دوره های از دوره های دیگر است. اما او که در حدود دو دهه به آزمونهای متفاوت دست زده است با انتشار ققنوس، راه و سبک نوینی را آغاز می کند که ما آن را سمبولیسم اجتماعی می شناسیم. دلیل اصلی انتخاب این سبک ایجاد گریز گاهی برای خاموش نبودن در فضای رعب و وحشت عصر استبداد است.

۴- دوره چهارم (۱۳۲۸-۱۳۱۷) پرکارترین دوره کار نیماست. نیما در این دوره بیش از هر زمان دیگری حساسیتهای اجتماعی دارد و کاهش تعداد اشعار نیمه سنتی در این دوره نسبت به دهه اول بیانگر نوعی ثبات در شعر نیماست.

۵- در دوره پنجم (۱۳۳۷-۱۳۳۲) نیما هیچ شعر نیمه سنتی دیگری نسروده است. این دوره گسست کامل نیما از سرودن شعر سنتی است. تکامل قالب و بیان و نیز اوج تفکر اجتماعی نیما در اشعار این دوره بخوبی پیداست.

به طور کلی می توان گفت توجه به گره خوردگی شعر نیما با حوادث زمانه او - که از پرحادثه ترین مقاطع تاریخ کشور ماست - و نیز توجه به تأثیر زمینه های اجتماعی در تحول و تکامل شعر او می تواند درک بهتری از شعر نیما را برای ما به ارمغان آورد.

پیوست

جدولها و نمودارهای آماری مربوط به اشعار نیما در دوره های مختلف  
جدول شماره ۱: فراوانی اشعار نیما بر اساس قالب

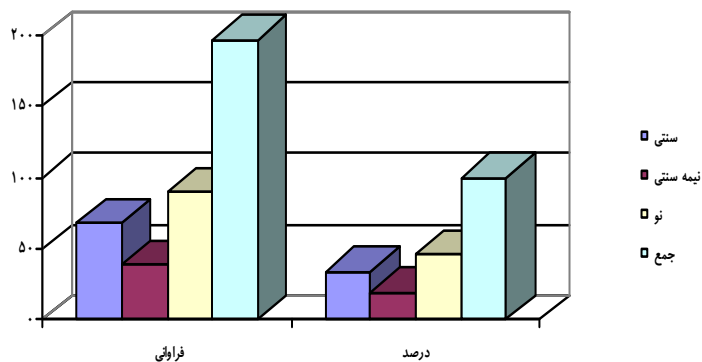
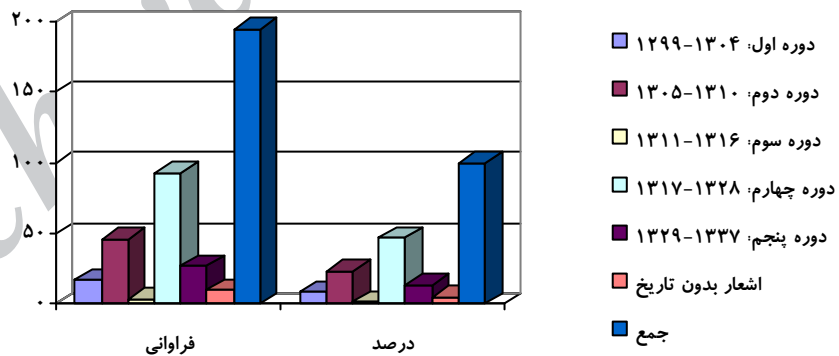
قالب اشعار	فراوانی	درصد
سنتی	۶۸	۳۴,۵
نیمه سنتی	۳۹	۱۹,۸
نو	۹۰	۴۵,۷
جمع	۱۹۷	۱۰۰

جدول شماره ۲: فراوانی اشعار نیما در دوره های مختلف

دوره های شعر نیما	فراوانی	درصد
دوره اول: ۱۳۰۴-۱۲۹۹	۱۷	۸,۶
دوره دوم: ۱۳۱۰-۱۳۰۵	۴۶	۲۳,۴
دوره سوم: ۱۳۱۶-۱۳۱۱	۴	۲,۰
دوره چهارم: ۱۳۲۸-۱۳۱۷	۹۳	۴۷,۲
دوره پنجم: ۱۳۳۷-۱۳۲۹	۲۷	۱۳,۷
اشعار بدون تاریخ	۱۰	۵,۱
جمع	۱۹۵	۱۰۰,۰

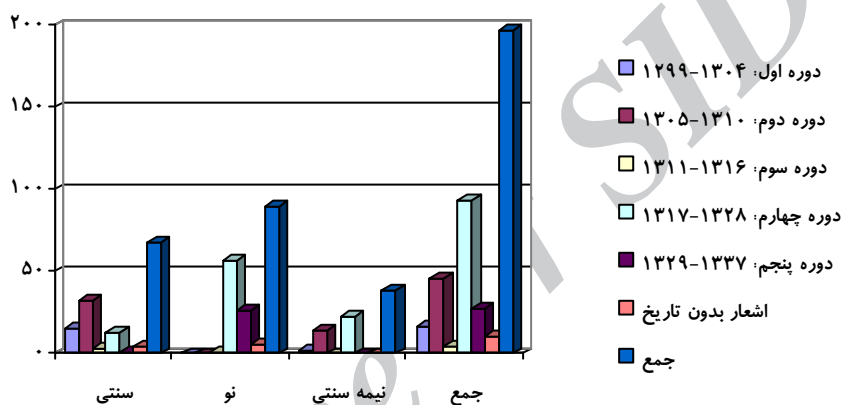
جدول شماره ۳: فراوانی شعری نیما بر اساس قالب در دوره های مختلف

دوره های شعر نیما	قالب			جمع
	ستیی	نو	نیمه ستیی	
دوره اول: ۱۳۰۴-۱۲۹۹	۱۵	۰	۲	۱۷
دوره دوم: ۱۳۱۰-۱۳۰۵	۳۲	۰	۱۴	۴۶
دوره سوم: ۱۳۱۶-۱۳۱۱	۳	۱	۰	۴
دوره چهارم: ۱۳۲۸-۱۳۱۷	۱۳	۵۷	۲۳	۹۳
دوره پنجم: ۱۳۳۷-۱۳۲۹	۱	۲۶	۰	۲۷
اشعار بدون تاریخ	۴	۶	۰	۱۰
جمع	۶۸	۹۰	۳۹	۱۹۷



جدول شماره ۴: فراوانی اشعار سنتی نیما بر اساس قالب

قالب	فراوانی	درصد
ترکیب بند	۵	۷,۴
غزل	۵	۷,۲
قصیده	۸	۱۱,۸
قطعه	۳۰	۴۴,۱
مثنوی	۲۰	۲۹,۴
جمع	۶۸	۱۰۰,۰



جدول شماره ۵: فراوانی اشعار سنتی نیما در دوره های مختلف

دوره های شعر نیما	شعر سنتی					جمع
	ترکیب بند	غزل	قصیده	قطعه	مثنوی	
دوره اول: ۱۲۹۹-۱۳۰۴	۵	۰	۰	۳	۷	۱۵
دوره دوم: ۱۳۰۵-۱۳۱۰	۰	۰	۴	۱۷	۱۱	۳۲
دوره سوم: ۱۳۱۱-۱۳۱۶	۰	۰	۰	۲	۱	۳
دوره چهارم: ۱۳۱۷-۱۳۲۸	۰	۵	۲	۵	۱	۱۳
دوره پنجم: ۱۳۲۹-۱۳۳۷	۰	۰	۰	۱	۰	۱
شعر بدون تاریخ	۰	۰	۲	۲	۰	۴
جمع	۵	۵	۸	۳۰	۲۰	۶۸

## یادداشتها

۱. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک: اسداللهی، الله شکر. «نیما و ادبیات غرب». مجموعه مقالات، ۱۳۸۱: ۱۱ تا ۲۹.
۲. «نیکلای الکساندروویچ (نیکلای دوم)، پسر و جانشین الکساندر سوم، آخرین تزار روسیه از ۱۸۹۴ م (۱۲۷۲ هـ. ش) تا ۱۹۱۷ م (۱۲۹۶ هـ. ش) حکومت کرد. او سرانجام در سال ۱۹۱۸ (۱۲۹۷ هـ. ش) به دست بلشویکها به قتل رسید» (معین، ج ۶: ذیل کلمه نیکلای دوم، ۲۱۷۰).
۳. شعر رمانتیک در ایران در اواخر عهد مشروطه و با ایده آل عشقی و افسانه نیما، ظهور کرد. این شعر، شعر گریز است. گریز به مرزهای ناخودآگاهی. درونگرایی، فضاسازی، بهره‌گیری عمیق از عنصر عاطفه، گریز به گذشته، آرمانگرایی و ... از ویژگیهای این نوع شعر به شمار می‌رود.
۴. ر.ک: زرقانی، ۱۳۸۷: ۲۱۳ تا ۲۱۵.
۵. ر.ک: حمیدیان، ۱۳۸۱: ۴۰ تا ۴۷.
۶. احمد پولادین، رئیس گارد رضا شاه بود و چون اعمال رضا شاه را از نزدیک می‌دید، کمیته‌ای سرّی تشکیل داد که اعضای آن، افسران و اشخاص مخالف رژیم پهلوی بودند. یکی از افراد کمیته از بیم نافرجام بودن این اقدام، مراتب را برای رژیم افشا می‌کند و اعضای کمیته دستگیر می‌شوند و سرهنگ پولادین به اعدام محکوم می‌شود. (اعدام پولادین را حسین مگی، پس از ۲۰ سال در کتاب تاریخ بیست ساله ایران می‌آورد در حالی که نیما آن را در همان تاریخ در شعر «سرباز فولادین» آورده است).
۷. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک: زرقانی، ۱۳۸۷: ۱۵۳ تا ۱۶۸.
۸. جنگ جهانی دوم با حمله آلمان به لهستان آغاز شد. در این جنگ طرفین متخاصم عبارت بودند از: متفقین: لهستان، فرانسه و انگلیس که بعدها روسیه، امریکا و چین نیز به آنها اضافه شدند. متحدین: آلمان، ایتالیا و ژاپن مهم‌ترین آنها بودند و مجارستان، رومانی و بلغارستان و ... هم در کنار آنها قرار گرفته بودند.
۹. رضاشاه در پی استعفای اجباری از قدرت در ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ به جزیره موریس در شرق ماداگاسکار رانده شد و در تاریخ ۶ آبان ۱۳۲۳ در شهر یوهانسبورگ آفریقای جنوبی درگذشت. او در تاریخ ۲۹ مرداد ۱۳۲۹ در تهران دفن شد.
۱۰. فعالیت «حزب توده» پس از هفت سال یعنی در سال ۱۳۲۷ در ایران غیر قانونی اعلام شد.
۱۱. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک: زرقانی، ۱۳۸۷: ۱۵۴-۱۶۸.
۱۲. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک: زرقانی، ۱۳۸۷: ۲۳۲-۲۴۱.
۱۳. داستان اجتماعی «نفتخواره» در بحبوحه ملی کردن صنعت نفت در ایران نوشته شده است. این داستان بیشتر به بیانیه سیاسی شباهت دارد تا داستان. شخصیت اصلی این داستان، یک انسان دست‌آموز و بی‌اراده است که در یک پاسگاه نشسته و نفت می‌خورد.
۱۴. شعر «روی بندرگاه» از اشعار بدون تاریخ نیماست. اما تصور می‌شود این شعر با توجه به نوع بیان، شکل و درونمایه در جریان حوادث مربوط به کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ سروده شده باشد.
۱۵. «یکی از کسانی که قبلاً در منزل نیما پیشخدمت بود به دلیل حرف و سخنی که با نیما پیدا کرده بود، خبر وجود تفنگ را در منزل نیما به مأموران می‌دهد و آنان پس از جست و جوی آنجا نیما را دستگیر و زندانی می‌کنند» نقل به مضمون از: آل احمد، ۱۳۵۷: ۴۷.

## فهرست منابع

۱. آل احمد، جلال. (۱۳۵۷). **ارزیابی شتابزده**. چ دوم. تهران: امیر کبیر.
۲. اخوان ثالث، مهدی. (۱۳۵۷). **بدعتها و بدایع نیما یوشیج**. تهران: توکا.
۳. براهنی، رضا. (۱۳۵۸). **طلا در مس**. ۳ جلد، چ سوم، تهران: نویسنده.
۴. پورنامداریان، تقی. (۱۳۸۱). **خانه ام ابری است**. چ دوم، تهران: سروش.
۵. ثروت، منصور. (۱۳۷۷). **نظریه ادبی نیما**. تهران: پایا.
۶. ثروتیان، بهروز. (۱۳۷۵). **اندیشه و هنر در شعر نیما**. تهران: نگاه.
۷. حمیدیان، سعید. (۱۳۸۱). **داستان دگردیسی**. تهران: نیلوفر.
۸. دستغیب، عبدالعلی. (۱۳۵۴). **نیما یوشیج (نقد و بررسی)**. چ دوم. تهران: پازند.
۹. زرقانی، سید مهدی. (۱۳۸۷). **چشم انداز شعر معاصر ایران**. چ سوم. تهران: نشر ثالث.
۱۰. قزوینچاهی، عباس. (۱۳۷۵). **ری را. به مناسبت صدمین سال تولد نیما یوشیج**. تهران: معین.
۱۱. **مجموعه مقالات نخستین همایش نیماشناسی**. (۱۳۸۱) ۲ جلد. ساری. اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان مازندران و انتشارات شفلین.
۱۲. مختاری، محمد. (۱۳۷۸). **انسان در شعر معاصر یا (درک حضور دیگری)**. چ دوم. تهران: توس.
۱۳. معین، محمد. (۱۳۷۵). **فرهنگ معین**. چ نهم. تهران: امیر کبیر.
۱۴. نیما یوشیج. (۱۳۵۱). **حرفهای همسایه**. تهران: دنیا.
۱۵. \_\_\_\_\_. (۱۳۶۸). **درباره شعر و شاعری**. به کوشش سیروس طاهباز. تهران: دفترهای زمانه.
۱۶. \_\_\_\_\_. (۱۳۶۴). **مجموعه آثار (دفتر اول شعر)**. به کوشش سیروس طاهباز. تهران: ناشر.
۱۷. \_\_\_\_\_. (۱۳۷۶). **نامه های نیما**. تنظیم و بازنویسی شراگیم یوشیج. تهران: نگاه.
۱۸. یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۸۰). **جویبار لحظه ها (جریان های ادبی معاصر ایران)**. چ سوم. تهران: جامی.